گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۸۱۲۳
دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ ۱۹:۴۴

یادداشتی از امیرعباس صادقی معاون فرهنگ و رسانه فرهنگسرای رسانه؛

میدان خبرسازی رسانه‌های غربی و جای خالی دیپلماسی ورزشی

مسابقات اخیر کشتی، اتفاقات رخ داده و هجمه رسانه‌ای شکل گرفته علیه کشورمان بار دیگر خلأ «دیپلماسی ورزشی» را به همگان یادآوری کرد.

به گزارش خبر، امیرعباس صادقی فعال رسانه و معاون فرهنگ و رسانه فرهنگ سرای رسانه در یادداشتی با موضوع "میدان خبرسازی رسانه‌های غربی و جای خالی دیپلماسی ورزشی" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

این شب‌ها تمام دنیا و به ویژه ایرانیان چشم‌های خود را به گیرنده‌هایشان دوخته و نظاره‌گر مسابقات جهانی کشتی هستند. ماجرا زمانی برای هم‌وطنان‌مان حساس‌تر شد که در نبردی مستقیم با رقیب سنتی یعنی ایالات متحده آمریکا قرار گرفتیم. این نبرد از دو جنبه دارای اهمیت بود: اولی بُعد ورزشی و حساسیت‌های مسابقات کشتی بین این دو رقیب سنتی است و دیگری حساسیت‌های سیاسی بین دو کشور است که در این روزها رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفته است.

در این بین، چند اتفاق مهم رخ داد که رسانه‌های دنیا و به ویژه رسانه‌های معاند فارسی‌زبان مانور زیادی روی آنها دادند. در اینجا بود که جای خالی قدرت نرم رسانه‌ای که از آن به عنوان «دیپلماسی رسانه‌ای» یاد می‌شود، احساس شد.

اولین اتفاق مربوط به رویارویی کشتی‌گیر ایرانی با ورزشکار رژیم جعلی صهیونیستی بود که جنجال زیادی به پا کرد. طبیعی است که کشور ما اهالی این رژیم جعلی را به رسمیت نشناخته و حاضر به رویارویی با آنها نمی‌شود، اما بازنمایی که از این اتفاق در رسانه‌های خارجی ارائه شد، کاملا علیه ایران بود. به گونه‌ای که آنها از عبارت‌هایی نظیر «گوشه‌گیری ایران»، «انزوا» و … سخن گفتند. این اتفاق در حالی است که اسرائیل به دلیل ماهیت جعلی خود یکی از کشورهای گوشه‌گیر در دنیا به شمار می‌رود.

فارغ از موضوعات سیاسی، این مسئله را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد. برخی از کارشناسان معتقدند که رژیم غاصب صهیونیستی با علم به اینکه ورزشکاران ایرانی حاضر به رویارویی با ورزشکاران آنان نیستند، هر ساله تعدادی از کشتی‌گیران خود را که عمدتا در همان مراحل ابتدایی از گردونه رقابت حذف می‌شوند، وارد مسابقات کرده تا بدین شیوه در جهت کمک به آمریکا در رده‌بندی پایانی مسابقات عمل کنند. در همین مسابقاتی که گذشت، اگر کشتی‌گیر ما، امیرمحمد یزدانی به چنین قرعه‌ای برنمی‌خورد، یکی از شانس‌های اصلی مدال طلا و دریافت ۲۵ امتیاز تیمی بود که متاسفانه آن را از دست دادیم و همین موضوع باعث عقب‌افتادگی ما در جدول پایانی مسابقات شد.

در اینجاست که جای خالی دیپلماسی رسانه‌ای ورزشی احساس می‌شود. این دیپلماسی بدین معنی است که باید افرادی مسلط به هر دو حوزه ورزش و رسانه از سوی کشورمان در مجامع بین‌المللی ورزشی و مسابقات جهانی رشته کشتی حضور پیدا کرده و این شیطنت اسرائیلی‌ها را گزارش کنند. بدون شک این اقدام باید در جهت حفظ منافع جمهوری اسلامی ایران ادامه پیدا کند. از سویی دیگر لازم است افراد بانفوذ در حوزه ورزش و رسانه در کرسی‌های تصمیم‌گیری وارد شده و در برابر این اقدامات شیطنت‌آمیز، از حق کشورمان دفاع کنند.

در نقطه مقابل، می‌توان از جنبه‌ای دیگر به این موضوع نگاه کرد و آنهم مقابله صحیح رسانه‌ای با اخبار و گزارش‌هایی است که عامدانه از سوی رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی منتشر و به دنیا عرضه می‌شود. این اخبار با هدف ارائه تصویری مخدوش از ایران منتشر شده و هدف اصلی‌شان این است که ایران را کشوری منزوی و به دور از جامعه جهانی نشان دهند. این اتفاق در حالی است که ایران بیشترین ارتباط را با تمام کشورهای دنیا در همه ابعاد دارد. بنابراین لازم است که با اتخاذ تدابیر درست مبتنی بر قدرت نرم رسانه، پاسخ درستی به این شبهه‌افکنی‌ها داد.

دومین اتفاق که در جریان مسابقات امسال از سوی رسانه‌های خارجی به چشم آمد، ایجاد دوقطبی ورزشی بین ایران و آمریکا و سنگین‌کردن کفه ترازو به نفع ایالات متحده بود. بسیاری از این رسانه‌ها با استفاده از تعابیری نظیر «باخت سنگین ایران به آمریکا»، «زور ایران به آمریکا» نرسید و …. پس از مسابقات فینالی که به سود آمریکا تمام شد سعی در القای ناکارآمدی تیم داشتند. این اتفاق در حالی است که پس از دو برد ایران در دو فینال (کامران قاسم‌پور و رحمان عموزاد) هیچ واکنشی نداشتند.

طبیعی است که هر مسابقه ورزشی دو رو دارد؛ برد و باخت. یک نفر برنده می‌شود و دیگری می‌بازد. همانطور که سال گذشته حسن یزدانی دیوید تیلور را برد، امسال متحمل شکست شد که جزئی از ورزش است. بنابراین دستاوریز قرار دادن این موضوعات برای رسیدن به اهداف دیگر روش جدید رسانه‌های خارجی است که باید پاسخ درست رسانه‌ای در میدان جنگ نرم بدان داد.

در این مطلب، عمده نگاه‌مان معطوف به ورزش کشتی بود، اما نباید فراموش کنیم که این موضوع ناظر بر همه رشته‌های ورزشی است. چند ماه دیگر جام جهانی فوتبال را داریم و حتما رسانه‌های غربی از هم‌اکنون خوراک رسانه‌ای برای آن آماده می‌کنند و هدفشان نیز یک چیز است: القای ناکارآمدی ورزش در ایران! در اینجا باید به دیپلماسی ورزشی پناه ببریم. از یکسو افراد صاحب نفوذ باید از ظرفیت‌های خود برای برهم زدن شرایط استفاده کرده و از سویی دیگر، پاسخ رسانه‌ای برای فعالیت رسانه‌ای آنان درنظر داشت.

این اتفاق در رشته‌های دیگر ورزشی نظیر تکواندو، کاراته، جودو و … نیز ممکن است تکرار شود که تاکنون نیز نمونه‌هایی از آن را دیده‌ایم. برای

مثال دیده‌ایم که اسرائیل با قرار دادن یک ورزشکار در بین حاضران شرکت‌کننده در مسابقه و احتمال رویارویی با نماینده ایران در جهت حذف آن ورزشکار ایرانی، دور کردن کشورمان از یک مدال و همچنین اقدامات بعدی نظیر محروم کردن آن ورزشکار یا رشته ورزشی تلاش می‌کند. عدم مقابله با این موضوع نشان از ضعف ما در عرصه دیپلماسی ورزشی رسانه‌ای دارد. این کشورها جنگ نرمی را علیه ایران آغاز کرده‌اند.

به صورت خلاصه، راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱- فعال کردن دیپلماسی ورزشی رسانه‌ای و تقویت آن

لازم است کرسی‌های جهانی که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های موثر در زمینه ورزش دارند را به دست بیاوریم. از این طریق می‌توان دیپلماسی ورزشی رسانه‌ای را فعال و تقویت کرد. اگر اقداماتی در گذشته انجام شده، باید ضمن شناسایی نقاط ضعف و قوت آن نسبت به تقویتش اقدام نمود.

۲- استفاده از افراد باتجربه قبل از قرعه‌کشی‌ها

لازم است که افراد بانفوذ در عرصه ورزش و رسانه قبل از قرعه کشی‌ها و چه بسا قبل از آغاز مسابقات ورزشی در رشته‌های مختلف وارد شده و اجازه شیطنت‌ها را بگیرند. همانطور که بارها دیده‌ایم، کشورهای دیگر از این دست ظرفیت‌ها برخوردار بوده و به بهترین نحو از آن استفاده می‌کنند، ما نیز نباید بی‌بهره از آن باشیم.

۳- توجه به جنگ نرم رسانه‌ای دشمن و اقدام متقابل

فراموش نکنید که دشمن جنگ نرم رسانه‌ای را در عرصه ورزش آغاز کرده است؛ باید دیپلماسی رسانه‌ای ورزشی را در این بخش تقویت کرده و ضمن شناسایی راهکارهای رسانه‌های آن در این عرصه، ابتکار عمل را به دست گرفت.